



# سنگ‌نیشته‌های یلینگ

ینس بوئل

سنگ‌ها می‌توان رمزگشایی کرد و حفاریات باستان‌شناسی از بخشی از اسرار پرده برداشته‌اند. کورتیه‌ها و سنگ‌ها به اواسط قرن دهم باز می‌گردند و نمونه‌های برجسته فرهنگ شرک‌آمیز شمالی (Nordic) محسوب می‌شوند. کلیسای کنونی در حدود سال ۱۱۰۰ بنا شده است، اما پیش از آن سه کلیسای چوبی در آن محل ساخته شده بود که هر سه بر اثر آتش‌سوزی نابود شدند. نخستین کلیسا احتمالاً به فرمان شاه هارالد بنا شده بود که در حدود ۹۶۵ میلادی به مسیحیت گروید.

سنگ‌نیشته‌های رونی سه‌وجهی هستند. اینها در نوع خود در اسکاندیناوی بزرگترین نمونه به‌شمار می‌روند (به ارتفاع ۲/۵ متر). برخلاف سنگ‌نیشته‌های کوچکتر، این سنگ‌ها در محل اصلی خود، یعنی دقیقاً در میانه دوتپه، قرار دارند. مضمون نوشته‌ها به قرار زیر است: «شاه هارالد فرمان داد که این یادمان به‌خاطر پدرش کورم و مادرش توروا بنا شود، شاه هارالدی که تمامی دانمارک و نروژ را فتح کرد و دانمارکیها را مسیحی کرد.»

دهکده یلینگ، در قلب منطقه آرام و ییلاقی یوتلاند شرقی، در سایه دو گورتپه عظیم قرار گرفته است که به مخروطهایی سربریده شباهت دارند. یک کلیسای روستایی، به سبک کلیساهای خاص دهکده‌های دانمارک، یعنی ساختمان سنگی و قرون وسطایی با دیوارهای سفیدکاری شده، در میان این دو تپه قرار دارد. در مقابل کلیسا دو سنگ‌نیشته به خط رونی سرپا ایستاده‌اند. این گورتپه‌ها و سنگ‌نیشته‌ها یکی از مهمترین جایگاههای باستانی و ایکینکها در اسکاندیناوی را تشکیل می‌دهند.

سنگ‌نیشته‌ها بیش از هزار سال پیش، به امر کورم پیر، پادشاه وایکینگها و پسرش شاه هارالد کبود دندان برافراشته شده‌اند. هر یک از این سنگ‌ها گواهِ بر فرهنگی باستانی و گذار از باورهای دینی بت‌پرستانه مردم شمال به مسیحیت است. امروز، پس از گذشت قرن‌ها، ما مفهوم کامل این سنگ‌نیشته‌ها و گورتپه‌ها و هم دلیل بنای آنها را در نمی‌یابیم. اما کاملاً بی‌اطلاع نیز نیستیم. از نوشته‌های روی

در یکی از دهکده‌های دانمارک

که در ۱۹۹۴ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفته است. سنگ‌نیشته‌های رونی\* و گورستانهای پراپتی به قدمت بیش از هزار سال، بر برخورد میان مشرکان و مسیحیت گواهی می‌دهند.

ینس بوئل (Jens Boel)  
رئیس بخش آرشیو یونسکو است

جویی منتقل کرده است. هارالد با ادای مراسم تدفین مسیحی برای پدرش دست به تظاهر سیاسی و مذهبی آشکاری زده بود. اما در مورد ملکه تورا، هنوز هیچ اثری از گور او یافته نشده است و راز محل تدفین او همچنان سر بسته مانده است.

### جایگاهی با اهمیت ملی

هر نسل تاریخ را به شیوه متفاوتی تعبیر می‌کند که با نوع جهان و مسائل رو در رویش مطابقت دارد. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اهمیت ملی جایگاه یلینگ به شدت مورد تأکید قرار گرفت. در این زمان، به نحو روشن و آموزنده‌ای مشاهده می‌شود که دانمارک به عنوان یک قلمرو متحد سلطنتی سر راست کرده است که در آن سلطنت از پدر به پسر انتقال می‌یابد. بر مسیحی شدن نیز به عنوان مدرک مسلم پیروزی تمدن و پیشرفت تأکید گردید. امروز این نظرات بیش از حد ساده‌انگارانه به نظر می‌رسند. به هیچ وجه روشن نیست که در آن زمان مفهوم «دانمارک» به چه معنایی بود. هرچند همگان می‌پذیرند که دین مسیح در دوران سلطنت شاه هارالد معمول شده است، اما نباید از یاد برد که سنت‌های بت‌پرستانه روستایی تا قرن‌های پیاپی در لباس مبدل مسیحی به حیات خود ادامه داد و همچنان نقش مهمی داشت. بنابراین دانمارکیها یکشنبه مسیحی نشدند.

یلینگ عمارتی سلطنتی بود، هرچند که نمی‌توان به طور قطع گفت که این محل اقامتگاه دائمی آنان بوده است. هم پدر و هم پسر بر قلمرویی فرمان می‌راندند که دانمارک نام داشت و هارالد مدعی فرمانروایی نروژ نیز بود. شاه گورم در یلینگ به یاد همسرش تورا سنگی برافراشت و هارالد نیز پس از مرگ پدرش در ۹۵۸ به یاد والدین خود سنگ دیگری به احتمال قوی گورم در تپه شمالی مدفون شده است.

می‌توان فرض کرد که این دو تپه، که امروز نمونه‌های عالی مهندسی محسوب می‌شوند، به فرمان گورم و پس از مرگ تورا به عنوان یک یادمان محل تدفین بنا شده است. اما تپه جنوبی در سال ۹۷۲ تکمیل شد و هیچ مقبره‌ای در آن وجود ندارد. حفاریات باستان‌شناسی به کشف مقبره‌ای حاوی بازمانده استخوان‌های یک مرد در نخستین کلیسای جویی انجامیده است. بررسی این حفاریات آشکار کرده است که مقبره و ساختمان همزمان ساخته شده‌اند و مرد پیش از آن در جای دیگری مدفون بوده است. باستان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که شاه هارالد احتمالاً پس از رسمی کردن مسیحیت در دانمارک استخوان‌های پدرش را به کلیسای بزرگ

بر بالای این نبشته کنده‌کاری اژدهای ویژه مردم شمال با تزئینات درهم‌تنیده به چشم می‌خورد. در وجه جنوب‌غربی سنگ، قدیمیترین تصویر مسیح در اسکاندیناوی دیده می‌شود. مسیح در محاصره خطوط تزئینی چنان ایستاده است که گویی از میان آنها برخاسته است و در زیر پای او کلمات پایانی سنگ‌نبشته به چشم می‌خورد: «و دانمارکیها را مسیحی کرد.»

موقعیت اصلی سنگ کوچکتر مشخص نیست، اما در حدود ۱۶۳۰ در کنار سنگ هارالد، در محل فعلی قرار داده شده است. نبشته حاکی از آن است که: «شاه گورم این یادمان را به یاد همسرش تورا، گوهر دانمارک، بنا کرده است.»

پیامی که این کلمات القا می‌کنند در میان پژوهشگران بحث‌های مفصلی برانگیخته است، دست‌کم از هنگامی که مردم محل در جستجوی آب، طی تابستان ۱۸۲۰، تصادفاً مقبره‌ای را در تپه شمالی کشف کردند.

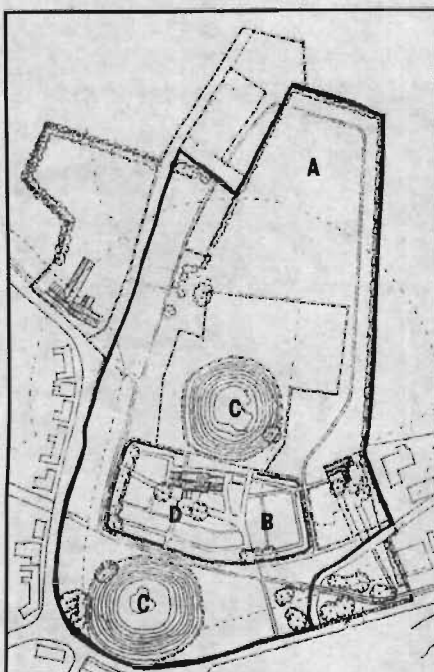
### حقیقت و داستان

برخی از حقایق بی‌چون و چرا به شمار می‌روند. طی دوران سلطنت گورم و پسرش، هارالد کیود دندان،

صفحه مقابل، جزئی از سنگ‌نبشته رونی، کنده‌کاری شده بر سنگ شاه هارالد. راست، سنگ‌نبشته‌های رونی شاه گورم (سمت چپ) و شاه هارالد (سمت راست)، دومی مزین به تصویری از مسیح است.

#### جایگاه یلینگ

- A. منطقه حفاظت شده
- B. کلیسا و گورستان
- C. گور تپه‌ها
- D. دو سنگ‌نبشته رونی



وایکینگها به اربابان دریا مبدل شدند زیرا کشتیهای پیشرفته‌ای در اختیار داشتند. آنان مسافرت می‌کردند، به داد و ستد می‌پرداختند، غارت می‌کردند و گاه نیز در سرزمینهایی که کشف می‌کردند اقامت می‌گزیدند. طی سه قرن در نیمکره‌های شمالی و غربی از اسکاندیناوی گرفته تا بیزانس جای پای خود را باقی گذاشتند.

سنگ‌نبشته‌های رونی یلینگ، از سوی دیگر، نشان می‌دهد که چگونه نفوذ فرهنگی جنوب، در هیئت مسیحیت، تمدن وایکینگها را دگرگون کرد و با اعتقادات سنتی آنان درآمیخت و به تدریج بر آنان مسلط شد. اعتقادات بت‌پرستانه از مسیحیت شکست خورد، زیرا مسیحیت با چهره قدرتمندی ظاهر شد. برای وایکینگها تغییر مذهب احتمالاً شیوه‌ای از کنار آمدن با قدرتهای قاره اروپا بود. به‌یمن منابع مکتوب معاصر این امکان ایجاد شده است که تاریخ رسمی تغییر مذهب مردم دانمارک با دقتی نسبی تعیین شود و شرح نسبتاً دقیقی از چگونگی این رویداد حاصل گردد.

در حدود سال ۹۶۵، در خلال جشنی در دربار هارالد، کشیشی پوپو نام حضور داشت. پوپو ادعا کرد که وایکینگها خدایان دروغینی را می‌پرستند درحالی که تنها یک خداوند یکتا وجود دارد که با عیسی مسیح و روح‌القدس یگانه است. شاه هارالد از او می‌پرسد که آیا او برای اثبات دعوی خود حاضر است آزمایش سختی را تحمل کند. پوپو بدون لحظه‌ای تردید آمادگی خود را اعلام می‌کند. سپس شاه فرمان می‌دهد که کشیش را در حبس نگه دارند. صبح روز بعد قطعه سنگین آهنینی را داغ می‌کند و به کشیش فرمان می‌دهد که آن را حمل کند و بدین ترتیب ایمان خود را به مسیحیت نشان دهد. پوپو آهن فروخته را به جنگ گرفت و تا زمانی که شاه از او خواست با خود حرکت داد. سپس نشان داد که دستش آسیبی ندیده است و بدین ترتیب همه حاضران را به حقیقت ایمان مسیحی متقاعد کرد. در نتیجه، شاه هارالد به مسیحیت گروید و از مردم خود نیز خواست که از پرستش بتها رو گردانند.

این داستان از گزارشهای معاصر نقل شده است. مورخان متعدد استدلال کرده‌اند که این ماجرا ساخته و پرداخته شاه هارالد و تنی چند از مشاوران نزدیک اوست تا تغییر مذهب خود را که ضرورتی سیاسی بود موجه جلوه دهند. شاه آلمان، اوتوی اول، در سال ۹۶۲ در مقام امپراتور رم به تخت نشسته بود و عالیترین مقام غیردینی عالم مسیحیت محسوب می‌شد. او دست به اقداماتی زده بود که نشان می‌داد حاضر نیست حاکمیت شاه هارالد را بر یک قلمرو بت‌پرست بپذیرد. هارالد احتمالاً برای آنکه به کلیسای مقتدر مسیحی نشان دهد که می‌تواند به او اعتماد کند، به این تغییر مذهب روی آورد تا تهدیدی بالقوه را از قلمرو خود دور سازد. ■



تپه شمالی و کلیسای یلینگ

اکنون، در ۱۹۹۶، آدمی وسوسه می‌شود که یادمانهای یلینگ را گواه تلاقی صلح‌آمیز فرهنگها و گذار به مسیحیت بدانند. گذاری که آگاهانه گورته‌های بت‌پرستان را در خود گنجانده است. شاه هارالد، پس از گرویدن به مسیحیت شاید خواسته باشد که با درآمیختن یادمانهای بت‌پرستی با یادمان جدید مسیحی، یعنی کلیسا، بنای یادبود پرابهتی برپا کند. کنود ی. کروگ (K. J. Krogh)، کارشناس برجسته یادمانهای یلینگ، نوشته است: «... یادمانهای جدید چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، به جلوه‌ای از تداوم در میانه تحولات مذهبی، مبدل شده است.»

### حماسه وایکینگها

تا چندی پیش تصویر سنتی وایکینگها در کتابهای درسی چندین نسل، تصویر مهاجمان تشنه به خونی بود که دیرهای انگلستان، فرانسه و ایرلند را غارت می‌کردند و می‌سوزانیدند. دلیل ترسیم چنین تصویری در وهله نخست این بود که منابع مهم تاریخی را راهبان و دیگر قربانیان راهزنان وایکینگ می‌نوشتند.

امروز همگان پذیرفته‌اند که وایکینگها را نمی‌توان صرفاً جنگجو و راهزن دانست. بیشتر اهالی اسکاندیناوی در عصر وایکینگها (حدود ۷۵۰ تا ۱۰۵۰) در آرامش و بدون ماجراجویی به سر می‌بردند، کشت و زرع می‌کردند، دام می‌پروردند و به داد و ستد می‌پرداختند. اما این نیز درست است که مسافرتهای ماجراجویانه بخش مهمی از تمدن وایکینگها را تشکیل می‌داد. در میان وایکینگها شاهانی وجود داشت که اهل سیاست بودند. مهندسانی که قصر و پل می‌ساختند، بازرگانانی که با روسیه یا ایرلند تجارت می‌کردند و کاشفانی که جزایر فارو، ایسلند و گرینلند را به مستعمرات خود مبدل ساختند. وایکینگها در حدود سال ۱۰۰۰ به خاک امریکا پا گذاشتند و نخستین اروپاییانی به‌شمار می‌روند که امریکا را کشف کردند.

### چند رویداد مهم

- عصر وایکینگها: ۱۰۵۰ - حدود ۷۵۰
- نخستین حمله وایکینگها به اروپای غربی: پیش از سال ۷۹۲
- وایکینگها پاریس را محاصره می‌کنند: ۸۸۶ - ۸۸۵
- شاه گورم در یلینگ مدفون می‌شود: ۹۵۸
- شاه هارالد کبود دندان به مسیحیت می‌گردد.
- شاه سواين فور کبيرد انگلستان را تسخير می‌کند: ۱۰۱۳



\* الفبای رونی (Runic) نوعی خط تحریری اقتباس شده از خط یونانی است که اقوام ژرمنی بیشتر برای کندن کتیبه‌ها به کار می‌بردند. اکنون در بیشتر نرم‌افزارها از این خط به عنوان یک خط تزئینی استفاده می‌شود.